



حمید تقوائی

معمولا احساس غم و اندوه با ناتوانی و استیصال به هم می آمیزد. قهر طبیعت ده ها هزار انسان بیگانه را به کام خود

صفحه ۲

پیام همدری حمید تقوائی به بازماندگان فاجعه بم و مردم ایران

شما و در این لحظات سخت با شما و در کنار شما هستیم. حزب ما با هر چه در توان دارد برای یاری دادن به بازماندگان و کاستن از ابعاد این فاجعه خواهد کوشید. در قبال چنین مصائب طبیعی

شده اند و بازماندگان شما غمزه و مستاصل و پریشانحال بر جای گذاشته اند. از جانب حزب کمونیست کارگری این مصیبت را به همه بازماندگان قربانیان این فاجعه و عموم مردم ایران تسلیت میگویم. ما شریک غم و اندوه

زلزله دهشتناکی که صبح امروز در شهر بم رخ داد همه مردم ایران و هر کس که در جهان این خبر را شنیده، در بهت و اندوه فرو برده است. در یک لحظه هزاران کودک و پیر و جوان در زیر خوارها خاک مدفون



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت



اعلام موجودیت کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم صفحه ۵

همه مردم بم میتوانند زنده بمانند
ثریا شهابی
صفحه ۶

به مردم
آزادیخواه
کردستان

به یاری بازماندگان
فاجعه زلزله بم بشتابیم
رحمان حسین زاده

در باره جایگاه
کنگره چهارم حزب

مجید حسینی
اسماعیل ویسی

صفحه ۳

فاجعه انسانی زلزله در بم قلب همه ما را فشرده و جامعه انسانی را تکان داده و داغدار نموده است. بر همگان روشن است، آنچه این واقعه طبیعی را در این عصر به فاجعه ای اجتماعی و انسانی در این ابعاد تبدیل کرده، بی امکاناتی، فقر و نداری و

صفحه ۳

یوم الله زلزله بم و
دوستان دروغین مردم

است و نگرانی و دلهره بازماندگان از پیامدهای این فاجعه دردناک، غم و اندوه از دست رفتگان را بر آنان سنگین تر کرده است. چپاول کمکهای ارسالی به مردم بم از جانب ارگانهای وابسته به رژیم همان دقایق اولیه وقوع حادثه با وقاحت آغاز شده است. کمکهای ارسالی در انبارهای سپاه پاسداران و بسیج و کمیته های وابسته به رژیم اسلامی، بعد از مدتی کوتاه سر از بازارها و بازارچه های دیگر شهرها درآورده اند و بی تفاوتی در برابر بازماندگان این فاجعه آمار تلفات را بالا تر و آلام و درد و مصیبت بازماندگان

صفحه ۲

ایرج فرزاد

ابعاد فاجعه انسانی زلزله بم، روز بروز آشکارتر میشود. تعداد کشته ها بسیار بیشتر از ارقام رسمی رژیم اسلامی است، اعلام کرده اند که ۳۰۰۰ نفر از مجروحانی که به زاهدان و جیرفت منتقل شده بودند، جان سپرده اند، در زمان تنظیم این شماره ایسکرا، طبق آمار منتشره در روزنامه های رژیم اسلامی آمار کشته ها به مرز ۵۰ هزار نفر رسیده بود و ارقام واقعی را مردم منطقه بسیار بیشتر ارزیابی کرده اند، شایعه شیوع وبا در منطقه زلزله زده بشدت قوی

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر-۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹
به وقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترناسیونال روی اینترنت:
www.radio-international.org

مدیر رادیو انترناسیونال:
سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

« پیام همدری حمید تقوائی... »

میکشد و ظاهراً کاری هم از دست کسی ساخته نیست. اما طبیعت به تنهایی مقصر نیست. بشر عصر ما از آن قدرت علمی و تکنولوژیک برخوردار هست که حوادث طبیعی بمراتب دهشتناک تر از آنچه در بم رخ داد را کنترل کند، تماماً از وقوع آن پیشگیری کند و یا عواقب آنرا به حداقل برساند. اگر هنوز شاهد آنیم که سوانح طبیعی هزار هزار قربانی میگیرند، علت در نظام و مناسبات اجتماعی ایست که حفظ قدرت و منفعت مشتی انگل، و نه انسانیت و جان و رفاه انسانها، شالوده و قوه محرکه آنهاست. فاجعه اینجاست. این یک فاجعه جهانی است اما در ایران جمهوری اسلامی این فاجعه ابعاد عظیم و بیسابقه ای بخود میگیرد. با یک هزارم آنچه رژیم صرف دستگاه عریض و طویل سرکوب و زندان و شکنجه و گستردن بساط خرافه و جهل و غیره میکند میتوان تلفات و ضایعات حوادثی نظیر زلزله اخیر را یا تماماً پیشگیری کرد و یا به حداقل رساند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و مال قربانیان زلزله بم است.

در برابر این فاجعه سیاسی - اجتماعی بهت و استیصال جانی ندارد. ما میتوانیم و باید غم و اندوه ناشی از این ضایعه را به عزم و اراده برای تغییر این وضعیت تبدیل کنیم. اولین قدم کمک به بازماندگان قربانیان است. ما مردم باید خود مستقل از رژیم و ارگانهای دولتی کمک به زلزله زدگان را سازمان بدهیم. کمکهای جنسی و مالی را نباید بدست مفتخوره‌های حاکم داد. حتی یک صدم آنچه در اختیار رژیم قرار بگیرد بدست زلزله زدگان نخواهد رسید. باید از ارگانهای بین المللی خواست که مستقیماً کمکهای خود را به زلزله زدگان برسانند. و آنجا هم که این کمکها به ارگانها

حاکم داده شده است، باید از جانب مردم تحت حسابرسی و کنترل مستقیم قرار بگیرد. حزب ما نیز خواهد کوشید تا مساعدت ارگانها بین المللی به زلزله زدگان مستقیماً و مستقل از رژیم سازمان داده شود و آنجا هم که در هر حال و خارج از خواست و تلاش ما این کمکها بدست رژیم میرسد حساب و کتاب آن کاملاً روشن و از جانب مردم قابل حسابرسی باشد.

مردم آزاده ایران!

زلزله ضایعه ای طبیعی است، اما مسئولیت تلفات و ضایعات آن تماماً با رژیم نکبتبار اسلامی است. نباید اجازه داد مفتخوره‌های حاکم بر ویرانه‌های بم بساط کار و کسب آبا و اجدادیشان را پهن کنند و کمکهای مالی و جنسی به زلزله زدگان یکبار دیگر راهی کیسه گشاد آیت الله‌ها و دیگر حشرات اسلامی ریز و درشت بشود. کارگران، دانشجویان، جوانان، گروه‌ها و کاروانهای کمک رسانی به زلزله زدگان را سازمان بدهید، کمکها را از شهرها و مناطق مختلف جمع آوری کنید و راساً بدست زلزله زدگان برسانید. رژیم را تحت کنترل و فشار و حسابرسی قرار دهید تا نتواند کمکهای بین المللی که باسم زلزله زدگان دریافت کرده است را ملاخور کند. تنها همیاری و عزم و اراده یکپارچه و متحد ما میتواند و غم و اندوه قربانیان این فاجعه را به حداقل کاهش دهد!

عزیزان مصیبت زده! یکبار دیگر به شما از صمیم قلب تسلیت میگویم. در این دوران سخت و جانکاه حزب ما همدرد و همراه و در کنار شماست.

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی حزب
کمیونست کارگری ایران

۵ دیماه ۱۳۸۲

۲۶ دسامبر ۲۰۰۳

« یوم الله زلزله بم و... »

را سنگین تر کرده است. آشکارا معلوم شده است که مردم مطلقاً کمترین اعتمادی به هیچ ارگان وابسته به رژیم ندارند. این حقیقت را اولین گزارشات و اخباری که سد سانسور رژیم اسلامی را پشت سر گذاشته اند، بخوبی نشان میدهد.

این هزاران نفر زیر آوار زلزله مدفون شده میتوانستند اکنون زنده باشند، اگر رژیم اسلامی بر ایران حاکم نبود و هزینه نگاهداری خیل طفیلیهای اسلامی، نهادهای سرکوبگر، بساط بیت رهبری و دهها موسسه و نهاد مثل انصار حزب الله و بسیج و سپاه و وزارت اطلاعات و ارتش و مراسم ستادهای خرافات و نماز جمعه و دیگر مناسک ارتجاعی صرف مردم، امنیت آنها و رفاه آنها میشد. میشد اگر در یک برآورد کمترین احتمال این وجود داشت که منطقه ای مانند بم زلزله خیز است، کل ساکنین و تمام شهر را در منطقه امن تری بازسازی کرد، میشد فقط و تنها آثار و بقایای "تمدن" اسلام و میراث باستانی نشانه و سمبل هویت قوم و ملت را، غم و شیون از دست رفتن کلوخ و آجر بناهایی از نوع مسجد ارگ و قلعه بم و یادگارهای فتحعلی زند و آقاخان و یادگار گزمه‌های دوران برده داری و فتودالی و خانقانی را به دامن عشاق ملی مذهبی و مجالس روضه و نوحه خوانی آنها سپرد و انسان را و مردم را و جان کودکان و نسلی را که سالهای سال دیگر برای زندگی با ما و همراه ما و نسلهای آینده بشر پیش رو داشتند حفظ کرد. میشد با آن بغض شادی و آن عشق به زندگی که بخاطر نجات کودکی در آغوش مادر جان باخته اش گلوی ما را فشرده است، شوق زندگی دهها هزار انسان را جشن بگیریم و شیون ویرانی خرابه‌های دوران عتیق را به مستشرقین جدا شده از عالم انسانیت واگذاشت، میشد با عظمتی که انسان در چیرگی بر طبیعت و مهار قوانین کور آن یافته است، برای همیشه بشر را در برابر هر حادثه و سانحه طبیعی بیمه کرد، فقط به آن شرط که مردم بر سرنوشت خود حاکم بودند و مجبور نمیشدند که برای تداوم حاکمیت اقلیتی استثمارگر و دولت آنها و برای بقای سلطه کار مزدی و بردگی برای سرمایه و سود و ارزش اضافی تحت هر شرایط

ناامن، چه از نظر کار و شرایط کار و چه از نظر خطرات ناشی از حوادث طبیعی مجبور به زندگی باشند. این حادثه کیفرخواست دیگری است علیه نظام سرمایه داری و در اوضاع ایران اعلام جرمی است علیه حاکمیت اسلام سیاسی و حکومت مشتی بیکاره جانی، طفیلی و سربار، آخوند و مکلائی شبه آخوند و حامیان رنگارنگ آنها که منابع و امکانات جامعه را صرف بقای رژیم جنایتکار خود کرده اند.

اما در این میان آنچه که سیمای دوستان دروغین مردم و یاران پنهان و خجول رژیم اسلامی را بیش از پیش افشا میکند، دفاع متعصبانه بقایای طیف فروپاشیده جبهه حکومتی و غیر حکومتی دو خرداد از مشروعیت رژیم اسلامی است. زلزله، یوم الله خمینی و غضب خداوندی برای "آدم" کردن بندگان تعریف شد. خمینی رهبر روحانی کل طیفهای دو خرداد نیز بود و کماکان هست. خانم شیرین عبادی شرمگین بود از اینکه جایزه صلح نوبل را به شاگرد رژیم یوم الله خمینی، جناب خاتمی ندادند، او با صدای رسا اعلام کرد که با کمال خضوع و خشوع اسلامی ملی حاضر است بر دست نمایندگان مجلس اسلامی که حقوق بشر را با رژیم یوم الله ها آشتی داده اند، بوسه بزند.

طیفی از بقایای اکثریت فدائی و شاگردان و استادان مکتب حزب توده که تا دیروز در ماجراهای قتل و کشتار یوم الله‌های دیگر زخمی داده بودند و بعنوان افتخار در تاریخ شان ثبت کرده بودند، با شکست دو خرداد، وانمود کردند که میخواهند رژیم اسلامی را به شیوه "مسالمت آمیز"، "برکنار کنند" و "جمهوری خواه" بشوند، اما پیوند خونی اینها با مبانی جمهوری اسلامی و اشتراک خاستگاه و دیدگاه آنان در برخورد به مردم ایران، اجازه نمیدهد بدون رجوع به خود رژیم اسلامی و پایه‌های آن از این رژیم جنایت عبور کنند. این معضل و این تناقض و این ردالت سیاسی را چگونه میتوانند به مردم ایران قالب کنند؟ لابد تجربه پوست کلفتی و دنائت در دفاع از رژیم اسلامی برایشان تضمین خواهد کرد. میدانند که خانم شیرین عبادی از جنس خودشان است، میدانند که او در عالم آشکار گفته است که قصد دارد روحی در جسد متعفن اصلاح رژیم جانپان

اسلامی بدمد، با اینحال گفته اند و فراخوان داده اند که کمکهای مالی را از طریق شیرین عبادی به دست مردم بم برسانند! و چه کسی میتواند تردید کند این یعنی سپردن کمکها به رژیم اسلامی در شرایطی که حمایت مستقیم از رژیم اسلامی به وقاحتی غیر قابل تصور نیاز دارد.

نه! هیچکس و مطلقاً هیچکس نباید اجازه دهد که حتی یک ریال از کمکها به مردم زلزله زده بم به خانم شیرین عبادی و از آن طریق در اختیار نهادهای وابسته به رژیم اسلامی قرار گیرد. مردم مصیبت زده، مردم مستاصل و در هم کوفته در یک فاجعه وحشتناک را نباید محمل چپاول رژیم جنایتکاران اسلامی کرد و عواطف و احساسات آنان را موجب وبهانه و سببی برای بستن الفت‌های یاران دیرین یک رژیم تبه کار و جانی اسلامی قرار داد. سو استفاده از احساسات جریحه دار شده مردم زلزله زده، و گرو گرفتن عاطفه انسانهای فروکوفته و لطمه دیده در یک فاجعه عظیم انسانی برای لائسه کردن دوستان دروغین و فریبکار مردم از نظر اخلاق سیاسی ناشایست، عوامفریبانه و رذیلاته است.

مردم مدت‌هاست از رژیم اسلامی و از طیف اصلاح این رژیم عبور کرده اند. هر کسی که ریگی در کفش ندارد و صمیمانه قصد دارد مردم له شده زیر فاجعه زلزله بم را تسکین و یاری دهد، باید تلاش کند که کمکها را بدون هیچ واسطه ای بدست مردم برساند، باید سعی و تلاش کند تا هر امکان و وسیله فردی و جمعی را که در اختیار دارد به کار گیرد تا به نهادهای انساندوست، دولتهائی که به مردم بم کمک میکنند و موسسات کمک رسانی بین المللی بگوید و توصیه کند که راهی برای تماس بلاواسطه با مردم را جستجو کنند، بگوید که کمک از طریق دوستان دروغین مردم، بازار لفت و لیس و چپاول و تاراج ارگانهای رژیم اسلامی را گرمتر میکند.

واقعیت این است که مردم ایران و مردم مصیبت زده بم، در همین فاجعه زلزله و در موارد دیگر مصیبت‌های اجتماعی و طبیعی به خوبی میدانند که طفیلیهای لانه کرده در ارگانهای سرکوبگر رژیم اسلامی بساط غارت و چپاول و دزدی را پهن میکنند و به حق انتظار دارند که هر انسان شریف، هر نودوست، هر سازمان سیاسی

یک دنیای بهتر،
برنامه حزب کمونیست
کارگری را بخوانید!

کنگره چهارم حزب، توقعات جنبش آزادیخواهی را برآورده کرد



اسماعیل ویسی

کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران، در روزهای ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۰۳ با شرکت صدها نفر از انقلابیون کمونیست و انسانهای آزادیخواه برگزار شد. انسانهایی تجمع کرده بودند که سالهای سال است با تمامی توان و عزمی راسخ و بطور آگاهانه در جهت سازماندهی و



به مردم آزادیخواه کردستان

(ادامه از صفحه ۱)

مردم ایران را به چنین اقدام انسانی فراخوانده است. مردم آزادیخواه کردستان در مقاطع مختلفی از جمله زلزله طبرستان و در واقعه ترکن صحر در سال ۵۸ تجارب سازماندهی کمک رسانیهای مردم و مستقل از دولت را از سرگذراندهاند. همینجا باردیگر از مردم کردستان میخواهم با یکارگیری تجارب گذشته و گسترش آن، با همه امکانات، با سازماندهی نهادهای گروههای امداد و جمعآوری کمک مالی، در شهرها و روستاها، در دانشگاه و محله و مرکز کار، بیشترین امکانات مالی، دارویی، غذایی و دیگر وسایلی زیستی را جمع آوری کرده و به مناطق زلزله زده برسانند. با ارسال این امکانات و اعزام هیئتهای همراه، مستقل از دخالت مقامات دولتی و در همکاری و هماهنگی با مردم محل و نهادهای بینالمللی حاضر در آنجا به توزیع آن در میان مردم مصیبت دیده یاری رسانند.

از همه انسانهای آزادیخواه، از فعالین و دوستان حزب کمونیست کارگری در شهرها و روستاهای کردستان میخواهم مبتکر چنین اقدامات ضروری و انسانی شوند. به این وظیفه عاجل و انسانی عمل کنیم.

رحمان حسین زاده

دبیرکمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۸ دی ۱۳۸۲

۲۹-۱۲-۲۰۰۳



روشهای جاری چپ سنتی و کلیه جریانانات بورژوازی در ابعاد اجتماعی، در این کنگره فرهنگ بالایی سیاسی که در برخورد به جابجایی پست های تشکیلاتی از لیدر حزب گرفته تا انتخابات کمیته مرکزی و دفترسیاسی و رئیس آن، عمق درایت سیاسی ما، و جاری بودن مکانیسمهای کمونیستی و روش های متمدنانه انتخاباتی را درحزب به نمایش گذاشت. جابجایی هر یک از این پستها می تواند احزاب معمولی امروزی را از هم بپاشد و هر تغییری در این سطوح سالها مورد جر و بحث درونی و کمپین علیه همبگیر و یا تحلیل و ارزیابی این و آن قرار گیرد. اما در حزب کمونیست کارگری این جابجایی ها امری عادی است و جزئی از بلوغ سیاسی ما و تفاوت ما با دیگران است. این کنگره بیش از هر اتفاق دیگری توجه کادرهای حزب به اهمیت حزب و انسجام آن و جدی تر شدن آنها نسبت به سرنوشت حزب را بالا برد. این یکی از دستاوردهای پرازش کنگره بود و تضمینی است برای شادابی و انسجام هر چه بیشتر حزب. بعد از کنگره چهار حزب کمونیست کارگری ایران در انطباق با دوره جدید از حیات سیاسی خود بعد از منصورحکمت، رو پای خود دارد به جلو میرود و به این اعتبار بعد از کنگره دور جدیدی از حیات سیاسی برای حزب و فعالین آن آغاز گشته است. کنگره چهار محکی بود برای تثبیت دستاوردهای دوره اخیر و جلب اعتماد بیشتر مردم به توان حزب کمونیست کارگری ایران و آمادگی آن برای کسب قدرت در ایران.

صفحه ۴

باید با هوشیاری کامل به لیست کامل این ارقام و اقلام دسترسی داشته باشند و مصرا بخوانند که این کمکها علنا و در جزئیات به اطلاع عموم و از آن طریق به اطلاع و در اختیار مردم مصیبت دیده برسد. باید از بالا کشیدن حتی یک ریال این کمکها توسط ارگانها و نهادهای رژیم اسلامی جلوگیری کرد و اجازه نداد که درد و غم و اندوه مردم لطمه دیده در این فاجعه انسانی، موجب برای جلب کمترین احترام به دشمنان پوشیده در لاف دوستی با مردم بشود. □

حزب کمونیست کارگری و کنگره چهارم



مجید حسینی

مردم را در ایران نمایندگی کرده است. درگذشت منصور حکمت بنیانگذارحزب و رهبر جنبش کمونیسم کارگری عامل دوم در توجه گسترده تر به حزب و سرنوشت آن شد. دشمنان این حزب به امید تضعیف و حاشیه ای شدن آن شادی کردند، اما نقش منحصر بفرد حزب و رهبری و کادراهایش در همین دوران، این امید را بر باد داد و کنگره چهار آخرین نقطه امید عبث آنها برای تحقق این آرزوی شوم بود. در برابر اینها مردم آزادیخواه به عروج حزب امید بسته بودند و طبیعی است که موقعیت حزب و جایگاه اجتماعی آن یکی از نکات موثری بود که سایه اش در کنگره هویدا بود.

کنگره و حزب بعد از آن

از نقطه نظر حزب، کنگره چهار آن بعنوان اولین کنگره بعد از منصور حکمت اهمیت زیادی داشت. این کنگره محل تلاقی ضعف ها و نقاط قوت حزب بود، محل جواب گرفتن ابهامات و سوالاتی بود که بعد از دست دادن منصورحکمت در برابر ما قرار گرفته بود. پرشوری کنگره چهار و موفقیت آن، اعلام به سر انجام رساندن سیر پروسه هایی بود که با تلاش رهبری حزب و کادرهای آن به نتایج مثبتی رسید و جهت های درستی را به حزب داد. باید متوجه بود که این کنگره به نسبت خود حزب، گامی بسیار مهم و رو به جلو در جهت قوام گرفتن سیما و موازین حزب سیاسی و اجتماعی و تقویت ضبط و ربط کمونیستی بود. برخلاف

دو عامل کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران را مورد توجه دوست و دشمن، مردم آزادیخواه، جریانات راست و چپ، شخصیتهای سیاسی و حتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی قرار داده بود. عامل اول نقش حزب و فعالیتهای خلاف جریان آن بود در مقابل جمهوری اسلامی، در مقابل کلیه اپوزیسیون راست ارتجاعی، در تمایز با جریانات به اصطلاح "چپ"، در مقابل طرح و توطئه کشورهای اروپایی برای نجات جمهوری اسلامی و تحمیل نظام مستبد دیگری بر مردم و به کجراه کشاندن جنبش انقلابی و سرنگون طلبی آنها برای دستیابی به زندگی بهتر. اگر در این دوران سانسور، تحریف، سکوت و همکاری توطئه آمیز رسانه های جیره خوار غربی علیه مردم و حزب ما نبود، از کنفرانس برلین به این طرف حزب کمونیست کارگری ایران میدان دار اصلی سیاست انسانی در ایران بوده است. اغراق نیست بگوئیم تنها این حزب حقایق رویدادهای سیاسی را به مردم گفته و امیال و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان و

یوم الله زلزله بم و



عمیق بر پیکر جامعه، پیوندهای فروپخته و افشا شده و بندهای پوسیده خود با رژیم اسلامی و بنیانهای آنرا بازسازی و ترمیم کنند. نه! مردم ایران نباید اجازه استمرار این رذالت سیاسی مکتب توده ایستی را بدهند. با اینحال برخی دولتها و نهادهای بین المللی، علیرغم غرق شدن مردم بم در مصیبت و استیصال ناشی از آن، کمکهای جنسی و نقدی و دارویی را در اختیار ارگانهای رژیم اسلامی و یا افراد دست بوس آن قرار میدهند. مردم

و حامی مردم و هر کسی که واقعا دلش از این فاجعه بدرد آمده است، به این حقیقت احترام بگذارند و از تحت کنترل گرفتن کمکهای نقدی و جنسی و امدادی توسط هر نهاد مستقیم و یا غیر مستقیم وابسته به رژیم اسلامی جدا خودداری کند. شرف انسانی و حس انساندوستی و همیاری هیچکس نباید موجب کوچکترین وجهه برای رژیم اسلامی و عوامل رنگارنگ آن باشد. نباید اجازه داد که دوستان دروغین مردم بر بستر درد و مصیبت و زخم های

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

◀ مجید حسینی ...

موفقیت این کنگره حاصل جهت های درست سیاسی و تشکیلاتی رهبری حزب بود که مدت ها قبل از این کنگره در جامعه و در حزب در جریان بود. بطور قطع نقش لیدر وقت حزب، رفیق کورش مدرسی، در آن دوره برجسته بود و قابل تقدیر و نتیجتاً آن قدرانی است که پلنوم نوزدهم از ایشان به عمل آورد. همینجا لازمست تاکید کنم در جریان کنگره رفقا کورش مدرسی و حمید تقوایی نقش برجسته ای ایفا نموده و سهم بسزایی در به سرانجام رساندن آن ایفا کردند.

نکته دیگری که در کنگره برجسته تر شد، خود حزب و نقش آن در دل تحولات سیاسی امروز ایران است. درک اینکه حزب بطور در خود یک پروژه سیاسی بزرگ و از زاویه منافع عمومی مردم مهمترین عامل موثر در شکل دادن به آینده زندگی مردم و سرنوشت انقلاب آتی است، اهمیت بسزایی دارد. امروز حزب در جهت بحثهای: حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه منصور حکمت، گامهای بسیار جدی به پیش رفته است و فاکتورهای انکار ناپذیری نشان می دهد که حزب کمونیست کارگری ایران و جامعه از هم تفکیک ناپذیر هستند. حزب جدا از فعل و انفالات جامعه نیست و بخشی از آن است، این شروع جبهتی است که باید کاملش کرد، با این وجود به یمن فعالیت های حزب، جنبش کمونیستی ایران امروز موقعیت بسیار امید بخش و تاریخی پیدا کرده است. حال خود حزب می تواند عامل تسریع کننده و موثر در ایجاد شرایط مناسب تر برای گسترش مبارزه و اعتراض کارگران و مردم باشد. در این دوره امکان اینکه حزب راسا خالق فرصتها و شدت دادن به جنبش سرنگونی طلبی باشد و منتظر رویدادها نگردد، هست. عدم درک فاکتور حزب در دل اوضاع امروز به ما ضربه خواهد زد و این خودستایی نیست، بیان واقعیتی عظیم و حاصل تلاش شبانه روزی کادرهای حزب، تحت رهبری منصور حکمت بوده است. به این اعتبار دور آتی، دور مصافهای بزرگتر و در ابعاد برتراب وسیعتر و اجتماعی تر و پیچیده تر حزب با جمهوری اسلامی و دیگر جریانات دست راستی در جامعه است. باید تلاش کرد حزب را به حزبی بزرگتر و توده ای تر تبدیل کرد تا به خوبی از عهده وظایف این دوره بر آید.

کنگره سوم اولین و کنگره چهارم دومین کنگره علنی حزب بوده است. علنی بودن کنگره سوم صدای اعتراض بسیاری از سازمانهای مخالف ما را بلند کرد. چون کنگره علنی دنیای محدود و فرقه ای و ایدئولوژیکی سازمانی آنها را درهم شکست. این سازمانها عوارض سرکوب رژیمهای شاه و جمهوری اسلامی بر جریانات سیاسی را پررنگ کردند و از آن تقدسی برای خود ساخته بودند. اصل علنیت حزب این سنت ها و تصورات را بهم ریخت و به حاشیه راند و سنت و فرهنگ دیگری را جایگزین آن نمود. دیگر روشن است که حملاتشان به ما بخاطر دعوت سازمانها و شخصیت های سیاسی مختلف به کنگره سوم، پوشش آه و فغان از سنت شکنی حزب و بی اعتبار کردن پوسته محفلی حقیر و غیر اجتماعی شان بوده است. علنی بودن کنگره چهار کمپین بزرگ سیاسی در ایران بود و فقط تعقیب اینترنتی آن بطور مستقیم و همزمان از طرف ده ها هزار نفر گوشه ای از ابعاد این کمپین سیاسی را نشان می دهد. چرا سازمانهایی که امکان شرکت در کنگره های حزب کمونیست کارگری را داشتند در آن شرکت نکردند؟ اگر بخاطر اختلاف سیاسی با حزب بود باید خود را جدی می گرفتند و می آمدند با سخنرانی و بحث و جدل در کنگره، در سمینارهای جانبی و جمعهای بزرگ و کوچکی که شبها تا صبح برپا بود نظر خود و سازمانشان را تبلیغ می کردند. واقعا چه امکان و فرصت بهتری از تجمع این چنین بزرگی از کمونیست ها برای جریانات سیاسی هست؟ همین جا از همه سازمانها و جریانات مختلف می خواهم از حزب کمونیست کارگری ایران یاد بگیرند و کنگره و کنفرانسهای خود را علنی بگیرند و امکان شرکت و دخالت مردم در سازمانشان را بدهند. علنی بودن کنگره و جلسات بزرگ حزب، بخشی از یک سیاست عمومی کمونیسم کارگری است برای در دسترس گذاشتن حزب در اختیار مردم و پاک کردن روشهای مرموز و شکستن پز آغا بالاسری جریانهای سیاسی در مقابل مردم. از زوایای مختلفی میشود کنگره را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. در صورت امکان در فرصتهای دیگری به چگونگی تدارک فنی و امنیتی آن، مصوبات آن، جایگاه و اهمیت هر یک از این اسناد مهم در اوضاع فعلی خواهم پرداخت.

۲۹ دسامبر ۲۰۰۳

اسماعیل ویسی ...

(ادامه از صفحه ۳)

پیرامونی و سرنوشت خویش، تلاش و مبارزه میکند. موقعیت حساس و ویژه این حزب در صحنه سیاست در ایران و مطرح بودنش چون یک پای اصلی جدال قدرت در تعیین تکلیف قدرت سیاسی در جامعه و مادیت پیدا کردن شعارها و مطالبات مطرح شده اش، در تجمعات اعتراضی توده ای ماههای خرداد- تیر گذشته و حرکات دانشجویان در ۱۶ آذر ماه امسال، بلند کردن و سر دادن شعار آزادی، برابری، به چپ چرخیدن جنبش سرنگونی طلبی و رشد رادیکالیسم آن، که حزب کمونیست کارگری در شکل دادن به آن سهم بسزایی را داشته است، خود تاکید صریح و روشن بر این واقعیت از جانب دوست و دشمن میباشد.

طبعاً در این کنگره عدم وجود فیزیکی منصور حکمت ناراحت کننده و برآستی فقدان از هر لحاظ غیر قابل تصور میباشد. آنچه این واقعه را تخفیف داد تجمع صدها نفر از انقلابیون کمونیست و مهتر درک و تشخیص شرایط ویژه و حساس و توقعاتی است که جنبش آزادیخواهی از این حزب و این انقلابیون کمونیست و رهبری حزب کمونیست کارگری برای ایفاء نقش و توقعی که از خود دارد، با درایت و روشن بینی سیاسی در برابر خود قرار داد تا بتواند با آمادگی کامل برای بدست گرفتن رهبری انقلاب آتی ایران و کسب قدرت سیاسی و مستقر کردن جمهوری سوسیالیستی خیز بردارد و عمل کند. مصوبات کنگره در آن راستا به تصویب رسید. انتخابات کمیته مرکزی در میان شرکت کنندگان در ابعاد وسیعی و با آمادگی غیر قابل وصفی که با استقبال پر شور نمایندگان روبرو شد، که بقول کوروش مدرسی در سخنرانی اختتامیه فقط اعضا کمیته مرکزی کنونی منتخب کنگره میتوانند ستاد رهبری ۵ انقلاب را تامین کند. محتوای بیانیه های مذهب زدایی در جامعه و بیانیه حقوق زنان با نشأت از برنامه یک دنیای بهتر، نشان از اعلان و دفاع از نهایت حق و حقوق

هدایت و رهبری توده های میلیونی مردم ایران برای آزادی، در جنبش کمونیسم کارگری و این حزب متشکل شده اند و کمر به نابودی جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با جمهوری سوسیالیستی و حکومت کارگری بسته اند. این کنگره در فضایی مملو از شور و شوق و صمیمیت و اتحاد سیاسی و انقلابی و با درک حساسیت اوضاع سیاسی و اجتماعی در ایران و موقعیت ویژه ای که حزب در این برهه از تاریخ پیشروی خود دارد و باید برای سرنگونی جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی و برای بنیان نهادن دنیایی بهتر، با به تصویب رسانیدن مصوبات لازم، با توانست توقعات و انتظارات جنبش آزادیخواهی در ایران را بر آورده نماید. به همین دلیل برگزاری موفقیت آمیز کنگره را به جنبش کمونیستی کارگری، فعالین کمونیست و رهبران عملی کارگری و توده ای، جنبش زنان، جوانان و ... تبریک میگویم!

در این کنگره انقلابیون کمونیستی تجمع کرده بودند که سالهای سال است با درایت سیاسی و روشن بینی بر علیه حکومت سرمایه داری اسلامی در ایران مبارزه کرده و پرچم "نه" مردم به این نظام ضد انسانی را در پیشاپیش توده های مردم برداشته و پیگیرانه عمل کرده و کمونیسم، آزادیخواهی و برابری طلبی واقعی در جامعه ایران با نامشان حک شده است. کمونیسم، آزادی، برابری و رفاه و خوشبختی بطور واقعی و عملی با حزب کمونیست کارگری تداعی شده است. حزبی که نه تنها ظرف مبارزاتی و متشکل شدن فعالین مبارز و کمونیست است، بلکه چون ستاد رهبری کننده سیاسی - طبقاتی مبارزات مردم، برای سرنگون کردن نظام فاشیستی اسلام از قدرت سیاسی و بازگرداندن اختیار انسان بر محیط

فردی، مدنی و اجتماعی مردم و یک زندگی انسانی در فردای پیروزی انقلاب در ایران را نوید میدهند. اما فراتر از اینها آنچه به کنگره چهارم بطور واقعی و عملی ویژگی خاصی بخشیده است، طرح و تصویب "بیانیه حقوق جهانشمول انسان" است. این بیانیه چون حرکتی تازه در ابعاد جهانی و همچون ادعاینامه جنبش کمونیسم کارگری در سطح جهانی در دفاع از حق و حقوق تخطی ناپذیر انسان در تقابل با و نفی اعلامیه حقوق بشر بورژوایی که بر اساس تقدس مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استثمار انسان از انسان تنظیم شده قرار میگیرد. این بیانیه با تاکید بر جهانشمول بودن حق و حقوق انسان صرفنظر از هر رنگ پوست و زبان و محل زاد و بوم و ... و محور قرار دادن انسان از هر لحاظ، خود سندی است بر علیه جنبشهای ارتجاعی اسلامی و راسیستی و نژادپرستانه که با اتخاذ سیاستهای نسیبیت گرایی فرهنگی حقوق انسانها را پایمال میکنند و تبعیض و نابرابری را ... را رواج میدهند. فعالین جنبش کمونیستی کارگری میتوانند در هر نقطه ای از جهان آنرا چون پرچمی در دفاع از حقوق انسان در دست بگیرند و مبنایی در راستای همبستگی جهانی انسانها در سطح جهانی باشد.

با تکیه بر ویژگی این بیانیه و درک شرایط حساس و موقعیت ویژه حزب در انقلاب آتی و تصمیم گیری بر اساس واقعیات عینی در کنگره، میتوان ادعا نمود که کنگره چهارم حزب کمونیست کارگری ایران نه تنها درک نمود که باید تلاش کند که رهبری انقلاب آتی ایران را که نطفه هایش شکل گرفته است، رشد و گسترش دهد و آنرا به سرانجام خود برساند، بلکه عملاً مانند حزبی سیاسی و مسئول در قبال بشریت در سطح جهانی گامهای عملی را برداشته است تا در سطح جهانی دوباره پرچم مارکسیسم و کمونیسم را به اهتزاز در آورد و تا در پیچه دنیای انسانی را به روی بشریت نیز بگشاید!

نیمه دوم دسامبر ۲۰۰۳



کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به

اطلاعیه مطبوعاتی
شماره ۱
(ترجمه از انگلیسی)
۲۹ دسامبر ۲۰۰۳

مردم به باید همچنان از حمایتهای بین المللی برخوردار شوند

اما، حمایت و ابراز همبستگی از طرف مردم ایران و جهان عظیم و وسیع بوده است. این حمایتها میتواند وسیله خوبی برای نجات و بازسازی قربانیان دردمند این فاجعه باشد. "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" از مردم در ایران و جهان میخواهد که همچنان به حمایتهای خود در دفاع و در همبستگی با مردم به ادامه دهند:

۱- کمکهای مالی خود را برای صلیب سرخ، یونیسف و دفتر سازمان ملل بخش هماهنگی برای مسائل انسانی و همچنین سازمانهای معتبر دیگری که کمکهای انسانی را فراهم میکنند، بفرستید. شماره حساب بانکی بعضی از آنها را میتوانید از روی سایت www.reliefweb.int پیدا کنید. کسانی که مایلند میتوانند کمکهای خود را از طریق "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" به این سازمانها برسانند. کمکها باید مشخص شود که برای "حساب اضطراری به" میباشد. کمکها نباید به هیچکدام از شماره حسابهای که توسط جمهوری اسلامی ایران اعلام شده، واریز شود، مخصوصا بخاطر سابقه این رژیم در فساد و اختلاس و سوء استفاده از

اصلی این فاجعه را باید جای دیگری جستجو کرد. یک زلزله مشابه چند روز قبل تر در کالیفرنیا بوقوع پیوست که نتایجی کاملاً متفاوت داشت. گزارش پشت شاهد، گزارش پشت همگی انگشت بسوی همان مقصر دراز میکنند: جمهوری اسلامی ایران، سیستم عقب مانده خانه سازیهایش، کمبود مقررات مناسبش، بی توجهی اش به استفاده از قوانین و مقررات در دسترس و فساد و در نظر نگرفتن توصیه های نهادهای تحقیق در مورد زلزله شمال غربی ایران در سال ۱۹۹۰، که ۵۰ هزار نفر را کشت. علاوه بر اینها بغیر از چند زلزله سنگین در گذشته، زمین لرزه های منظمی هر سال صدها نفر را کشته و هزاران نفر را زخمی کرده است و با وجود این هیچ اقدام قابل توجهی از طرف رژیم صورت نگرفته است. فساد و ناتوانی رژیم و هرج و مرج و بی سازمانی، عکس العمل بسیار دیر و بی احترامی کامل آن به زندگی و امنیت انسانها، آشکارا این رژیم را مسئول مرگ هزاران نفر و زخمی و بی خانمانی هزاران نفر دیگر میکند. "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" جمهوری اسلامی را بخاطر این مصیبت هولناک محکوم میکند. در برخورد به این تراژدی انسانی

تراژدی عظیم انسانی که در بهم و روستاهای اطراف آن در جنوب شرقی ایران بوقوع پیوست، مردم سراسر دنیا را در شوک و اندوه فرو برده است. هر ساعت تعداد بیشمار دیگری به هزاران نفر کشته و زخمی این اتفاق هولناک افزوده میشود. تعداد بیشمار از بازماندگان هنوز به غذا و سرپناه و دکتر و درمان دسترسی ندارند. بسیاری از صد هزار نفری که بی خانمان شده اند در سرمای زیر صفر در خیابانها میخوابند. شکی نیست که این ارقام غیر قابل تصور همچنان افزایش خواهد یافت. این فاجعه که از طریق صفحه تلویزیونها به خانه های ما آورده شده است، تا هم اکنون بعنوان یکی از بدترین حوادث تاریخ معاصر ثبت شده است. "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" که تشکیل شده است تا تضمین کند که مردم به فراموش نشوند، به مردم ایران و مخصوصا به بازماندگان تراژدی به عمیقا تسلیت میگوید. هر چند که این یک زلزله به مقیاس شش و سه دهم ریشتر بود که در ساعات اولیه روز جمعه ۲۶ ماه دسامبر مردم هنوز در خواب به لرزانند، اما دلیل

اعلام موجودیت کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به

با توجه به ابعاد عظیم تراژدی انسانی در بهم، نیاز گسترده و درازمدت در کمک رسانی به مجروحان و بازماندگان این زلزله، با توجه به لاقیدی و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی در قبال مردم محروم و ستم زده بهم، عدم اعتماد به کمکهای که از طریق جمهوری اسلامی برای مردم بهم ارسال میشود، و تصییقات و محدودتهای که رژیم اسلامی بر سر راه کمک رسانی به بازماندگان زلزله بوجود می آورد، کمیته ای تحت عنوان "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" زیر نظر هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری تشکیل شده است. اعضای این کمیته عبارتند از: مریم نمازی هماهنگ کننده کمیته، مینا احدی، فریبرز پویا، ناهید ریاضی، هلاله طاهری، اسد گلچینی، بهرام مدرسی، مهرنوش موسوی، اسماعیل مولودی و کاظم نیکخواه.

"کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان به" تلاش میکند تا:

— افکار عمومی را هرچه بیشتر نسبت به ابعاد این فاجعه مطلع نگاهدارد و در سطح هر چه وسیعتری حمایت مردم و نهادهای بین المللی را جلب کند
— از دولتها و نهادهای بین المللی بخواهد که به جمهوری اسلامی اعتماد نکنند و کمکهای خود را مستقیما بدست قربانیان زلزله برسانند
— از مردم در کشورهای مختلف بخواهد تا کمکهای مالی و جنسی خود را از طریق نهادهای معتبر غیر مذهبی، غیردولتی، و مستقل از جمهوری اسلامی بدست زلزله زدگان برسانند
— بر ضرورت نظارت بر توزیع کمک های ارسالی و نیز در امر بازسازی و تامین زندگی بازماندگان محروم این فاجعه و کاهش مشقات انسانی آن، توسط نهادهای بین المللی تاکید کند
— موانعی را که جمهوری اسلامی در مقابل کمک رسانی خودجوش و یا سازمان یافته مردم ایجاد میکند افشا کند و تلاش کند تا بقدرت مردم و با اعمال فشار افکار عمومی و مراجع بین المللی بر جمهوری اسلامی این موانع برطرف شود
— در هر سطح که میتواند به گسترش و سازمانیابی هر چه بیشتر جمعها و کاروانهای کمک رسانی که به ابتکار مردم در شهرهای مختلف ایران شکل گرفته است کمک کند و موانعی را که از جانب جمهوری اسلامی بر سر راه این اقدامات ایجاد میشود، افشا و خنثی کند
— نماینده و سخنگو و مدافع پیگیر منافع بازماندگان فاجعه بهم باشد، افکار عمومی دنیا را از وضعیت زندگی و سرنوشت آنان مداوما مطلع نگاهدارد، و اجازه ندهد با دور شدن از این واقعه، سرنوشت بازماندگان زلزله به فراموشی سپرده شود
— جمهوری اسلامی را بخاطر سهل انگاری در امر کمک رسانی به مردم بهم و لاقیدی به هشدارهای مکرر درمورد احتمال زلزله، تحمیل خانه های محقر به اکثریت مردم محروم و زحمتکش، استانداردهای بسیار پایین ساختمان سازی در طول ۲۵ سال حاکمیت، در سطح جهانی مورد بازخواست و تحت فشار قرار دهد.

حزب کمونیست کارگری نهادها و مردم انساندوست در سراسر جهان را به همکاری با این کمیته فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ دسامبر ۲۰۰۳، ۸ دیماه ۱۳۸۲



شهری را با همه ساکنین اش دفن کردند



همه مردم بم می‌توانستند زنده بمانند

هرگز به بدبختی و سیه روزی عادت نمی‌کند. و مردم ایران و جهان تماشاچیان بی عمل ولی دلسوز مردم رنج دیده بم نخواهند بود.

همه می‌دانند که بم با مردمش قربانی دست طبیعت نشده است. همین طبیعت با حوادث به مراتب مخرب‌تر، جایی که انسان از ابتدایی‌ترین حق خود یعنی مسکن مناسب و امن برخوردار است، معذود قربانی هم نمی‌گیرد. آمار زلزله‌های مشابه در کشورهایی که مردم از حداقل مسکن امن برخوردارند، کم نیست. در ایران، در شهر بم و تهران بسته شدن جوی آبی می‌تواند موجب سیل خانمان برآندازی شود. این دیگر کار طبیعت و حادثه نیست.

مردم بم بعد از این زلزله می‌توانستند همگی زنده بمانند اگر مشتی جانور ماقبل تاریخ بر سرنوشت شان حاکم نبود! مردم بم بعد از این زلزله می‌توانستند همگی زنده بمانند اگر زندگی شان مطابق استاندارد زمانه خود بود! همه کودکان زنده به گور شده شهر بم می‌توانستند جان بدر ببرند اگر تنها چهاردیواری اطاق و سقف بالای سرشان امن بود. و این را نه خدا و طبیعت، که حکومت اسلامی ایران از همه مردم بم و میلیونها نفر مردم ایران دریغ کرده است.

مرگ و نابودی کامل یک شهر و یک جامعه با اکثر مردم آن، محصول مستقیم حکومت اسلامی ایران است. خدا و طبیعت در این میان هیچ کاره‌اند! همه مردمی که امروز به کمک باز ماندگان می‌شتابند، باید مسئولین این قتل عام را هم به پاسخگویی بکشانند!

۲۹ دسامبر ۲۰۰۳

جوانان و سالمندان شهر بم، اشک ریختند. مردم بعد از پشت سر گذاشتن شوک و ناباوری خبر دفن کامل یک شهر و یک جامعه که ظرف چند ثانیه اتفاق افتاد، در سراسر ایران و جهان داوطلب کمک رسانی به بازماندگان این فاجعه‌اند. بشر دوستی، همیاری و عطوفت و همت مردم ایران و جهان برای کمک به آسیب دیدگان، بی‌تردید می‌تواند درد و آلام این فاجعه عظیم را تخفیف دهد.

مردم ایران خشمگین و با بی‌اعتمادی کامل نسبت به دولت و نهادهای دولتی می‌خواهند خود کمک رسانی به بازماندگان را سازمان دهند. دانشجویان، کارگران، جوانان و سالمندان در تقلا می‌کنند. کمک رسانی به بازماندگان هستند. بسیاری در عین تهیدستی مطلق خود، اندک پس انداز و ذخیره و دارایی خود را برای مردم بم می‌فرستند و خود آماده رفتن به محل! دولت به بهانه‌های مختلف از شریک کردن مردم در کمک رسانی ممانعت می‌کند و مقابل آن را به انحاء مختلف می‌گیرد. کمک رسانی مستقیم و فوری تنها را کمک و نجات جان بازماندگان و تنها راه مرهم گذاشتن بر درد این فاجعه عظیم انسانی است. جمهوری اسلامی ایران و نهادهای دولتی اش، فاسد تر و منفور تر از آنند که کسی به آنها برای ارسال کمک با بازماندگان کوچکترین امید و اعتمادی داشته باشد. مردم ایران این وضعیت را بهتر از همه می‌دانند.

جامعه بشری در ایران و جهان، در دل انهدامی که صورت گرفت، کمک و عطوفت انسانی را به جامعه ایران تزریق می‌کند. انسان



ثریا شهابی

جمعه پنجم دیماه زلزله ای به قدرت شش ممیز هفت ریشتر، شهر بم با ساکنین اش را دفن کرد. گفته می‌شود در این زلزله تا این لحظه بیست و پنج هزار نفر کشته شده‌اند. حکومت ایران در پنهان کردن خبر درد و رنج مردم ایران، استاد شعبده بازان جهان است. اما خبر و تصاویر زلزله بم را نتوانستند پنهان کنند. تل اجساد تلمبار شده در دسته های سیصد- چهارصد نفره، زن و مرد و کودک، پیر و جوان، خبر از ابعاد هولناک تر فاجعه می‌دهد. تصاویر دلخراش والدین گریان که بر پیکر خفته جگر گوشه هایشان بوسه خداحافظی می‌زنند، بدن کودکان نیمه جانی که بر دستان مردم حمل می‌شوند، کودکان تنهایی که همه چیز و همه کس خود را از دست داده‌اند، ترس و نگرانی از مرگ دهها هزار نفر دیگر به خاطر سرما و بیماری و بی‌پناهی و گرسنگی و بی‌دارویی، جهانی را در بهت و ماتم فرو برده است. مردم جهان خود را در غم و اندوه این کشتار دردناک و کم سابقه، شریک می‌بینند. طی روزهای گذشته میلیونها نفر در ایران و سراسر جهان در انتظار عموم یا در تنهایی خود، به همان مادران و پدران، کودکان،

کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم

اطلاعیه مطبوعاتی

شماره ۱

(ادامه از صفحه ۵)

کارکنانشان (زن و مرد) اجازه کامل دسترسی به منطقه و مردم زلزله زده داده شود. همچنین سازمانهای بین المللی باید اجازه داشته باشند تمام کمکهای ارائه شده را بازرسی کنند و حساب مخارج مالی در اینمورد باید بطور کامل در اختیار عموم قرار گیرد.

۶- درخواست پیگیری و بررسی دلایل واقعی و غیر طبیعی این تراژدی انسانی توسط سازمانهای بین المللی. مخصوصا مسامحه کامل جمهوری اسلامی در تهیه مسکن مناسب در عرض ۲۵ سال حکومت و نقش این رژیم در به فقر و بدبختی کشاندن توده های عظیم جامعه ایران، بی ارزشی کامل جان انسان برای این رژیم، عکس العمل دیر و پر هرج و مرج در برخورد به این مصیبت، متدهای غلط خانه سازی، عدم وجود مقررات مناسب و رد تمام توصیه های که بعد از زلزله سال ۱۹۹۰ در شمال، توسط کارشناسان شد.

۷- اعمال فشار به رژیم اسلامی که قوانین و استانداردهای ساختمانی را بازبینی کرده و توصیه های کارشناسان در مورد مناطق زلزله خیز را در دستور بگذارد.

۸- درخواست خسارت کامل و فوری به بازماندگان زلزله بم.

اعضای کمیته اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم: **مریم نمازی هماهنگ کننده، مینا احدی، فریبرز پویا، ناهید ریاضی، هلاله طاهری، اسد گلچینی، بهرام مدرسی، مهنوش موسوی، اسماعیل مولودی و کاظم نیکخواه.**

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

کمکهای پرداخت شده در موارد مشابه قبلی. ۲- کمکهای بی دریغ خود را برای این سازمانها بفرستید. وسایلی که اکنون شدیداً مورد نیاز مردم میباشند عبارتند از: دارو، جعبه های کمکهای اولیه، وسایل جراحی و پانسمان و زایمان، دستگاههای بهوش آورنده و وسایل کچ گرفتن و دستگاههای تنفس مصنوعی، بعلاوه وسایل بهداشتی، وسایل ضد عفونی کننده، چادر، روکشهای پلاستیکی، وسایل آشپزخانه، بخاری، پتو و غذا و هر چیز دیگری که مناسب میدانید.

۳- اعمال فشار به جمهوری اسلامی که از تمام امکانات موجود برای تهیه سریع سرپناه، غذا، امکانات درمانی و کمک هزینه های کامل اجتماعی برای کمک به بازماندگان این مصیبت استفاده کند. توجه ویژه به نتایج وحشتناک انسانی این فاجعه، از جمله نیازهای آوارگان، کودکان بطور کلی و کودکان بی سرپرست بطور مشخص، سالمندان و زنان.

۴- اعمال فشار به رژیم اسلامی که از مزاحمت برای نیروهای امدادی از طرف مردم دست بردارد و اجازه بدهد کسانی که می‌توانند و مایلند در محل حضور بهم رسانند و کمک کنند. مردم خودشان گروههای کمکی تشکیل داده اند که به بازماندگان یاری برسانند. "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" از مردم می‌خواهد که همچنان به تشکیل چنین گروههایی بپردازند و کمکهایشان را به شیوه ای متشکل و مستقل از دولت ادامه بدهند. هرچا رژیم مانع حضور مردم و کمک رسانی آنها میشود، مردم را فرا میخوانیم که با اعتراض خود رژیم را به عقب برانند.

۵- اعمال فشار به رژیم اسلامی که کمکهای انسانی و بازسازیها توسط سازمانهای جهانی غیر دولتی هدایت شود و به آنها و